

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۶

مصادف با: ۴ شعبان ۱۴۳۸

جلسه: ۵۱

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد

موضوع جزئی: آیه هفتم - درجات برخورداران از نعمت -

مراحل همراهی با منعمین

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

خلاصه جلسه گذشته

در آیه هفتم عرض کردیم جهات مختلفی باید مورد بررسی قرار بگیرد. جهت اول این بود که مقصود از نعمت چیست و از اقسام مختلف نعمت کدامیک در این آیه مورد نظر است. جهت دوم این بود که برخورداران از نعمت یا به تعبیر خود آیه (الذین انعمت علیهم) چه کسانی هستند.

درجات برخورداران نعمت

در ذیل جهت دوم مطلبی که لازم است مورد اشاره قرار بگیرد درجات برخورداران از نعمت است. در این آیه ما از خداوند متعال می‌خواهیم ما را به صراط کسانی که نعمت به آنها داده است هدایت کند، این افراد چهار گروه هستند، انبیاء، صدیقین، شهداء و صالحین، خود این گروه‌های چهارگانه که تحت عنوان نعمت یافتگان یا برخورداران از نعمت مشترک هستند، درجات آنها متفاوت است و همه در یک رتبه نیستند، این از بعضی از آیات قرآن قابل استفاده است.

در آیات سوره واقعه می‌خوانیم «وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً * أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ * أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ * أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ * وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ»^۱، بر طبق این آیه در قیامت انسان‌ها سه گروه هستند:

۱. یک گروه به عنوان (اصحاب المیمنه) معرفی شده‌اند، اصحاب المیمنه کسانی هستند که هم کار خودشان با یمن و برکت بوده است، و هم برای دیگران مایه خیر و برکت بوده‌اند.
۲. گروه دوم (اصحاب المشئمه) هستند، یعنی کسانی که هم خودشان گرفتار شومی و زشتی بودند و هم برای دیگران موجب شومی و زشتی بوده‌اند.
۳. گروه سوم هم (السابقون السابقون) هستند، که (اولئک المقربون) می‌باشند.

این عناوین در واقع معرف انسان‌ها یا بخش اعظم انسان‌ها در روز قیامت است، از این سه قسم دو قسم آن افرادی هستند که از نعمت الهی برخوردار شده‌اند و یک قسم یعنی «اصحاب المشئمه» همان ضالین و مغضوبین هستند، به قرینه تقابل

^۱ . سوره واقعه: آیه ۷ الی ۱۲ .

بین «اصحاب المشتمه» و «اصحاب المیمنه» و «سابقون» معلوم می‌شود که منعمین عبارتند از این دو گروه، یعنی «السابقون» که این‌ها در مرتبه اعلی هستند، آنها مقرب هستند و سبقت گرفته‌اند در قرب الهی بر دیگران و در درجه پایین‌تر و متوسط «اصحاب المیمنه» هستند، که در واقع مشمول نعمت الهی واقع شده‌اند اما به سر حد سابقین و مقربین واصل نشده‌اند.

این درجات هم در سلوک دنیایی وجود دارد و هم در پاداش اخروی، چه اینکه پاداش اخروی ثمره همراهی در دنیا می‌باشد، سالکان صراط مستقیم و آنها که پا جای پای مقربین و سابقین می‌گذارند، ابتداءً از خداوند درخواست می‌کنند که خداوند آن‌ها را به صراط مستقیم هدایت کند و خداوند هم با انعام خودش این‌ها را در این مسیر و این طریق قرار می‌دهد، وقتی که در این طریق قرار می‌گیرند، قهراً در مقایسه با مقربین در مرتبه پایین‌تری هستند، اما وقتی در این صراط قرار می‌گیرند و استقامت در این صراط دارند، جزء اصحاب المیمنه می‌شوند، پس در واقع (الذین انعمت علیهم) عبارتند از: اصحاب المیمنه و مقربین، اصحاب المیمنه متوسطین هستند و مقربین عالیان و آن‌هایی هستند که در درجه بالا می‌باشند. پس (الذین انعمت علیهم) یا برخورداران از نعمت فی الواقع در یک مرتبه قرار ندارند، هم در دنیا و هم در آخرت.

مراحل همراهی با منعمین

نکته دیگر در مورد مراتب همراهی سالکان و درخواست کنندگان با منعمین است.

این همراهی هم در دنیا است، هم در موقع مرگ و برزخ و هم در آخرت، معیت و همراهی سالکان صراط مستقیم بعد از آنکه از خداوند تبارک و تعالی درخواست می‌کنند در این صراط قرار بگیرند یعنی در مسیر کسانی که خداوند به آنها نعمت عطا کرده است، در سه مرحله محقق می‌شود.

مرحله اول

در مرحله اول این همراهی و معیت باید در دنیا باشد، مقصود از همراهی و معیت با (الذین انعمت علیهم) در دنیا یعنی مطابقت سبک زندگی با سبک زندگی آنان، معیت، معیت و همراهی مکانی و زمانی نیست، وقتی می‌گوید خدایا ما را به صراط مستقیم هدایت کن، این در واقع یعنی درخواست کمک الهی و انعام خداوند برای اینکه در زندگی در مسیری که آنها گام برداشته‌اند حرکت کند، همراهی با انبیاء و شهداء و صدیقین و صالحین که بهترین همراهان هستند (و حسن اولئک رفیقاً) یعنی در طریق با آنها همراه باشد، رفیق و رفاقت یعنی در راه و مسیر همراه بودن، برای همین هم گفته شده: (الرفیق ثم الطریق)، همراهی در طریق از لوازم طی مسیر است، لذا اگر کسی رفیق راه بلد و سالم نداشته باشد راه را گم می‌کند و به انحراف می‌رود. در اینجا هم اگر کسی از مسیر منحرف شود، یا جزء ضالین می‌شود یا جزء مغضوبین، راه آنها در واقع راهی جداگانه نیست، بلکه بیراهه است. فرق است بین راه و بیراهه، شما کسی را در نظر بگیرید که می‌خواهد از یک مبداء به سوی یک مقصد حرکت کند، بین این مبداء و مقصد یک راه وجود دارد، حال اگر کسی در این مسیر از راه منحرف شد، می‌گویند به بیراهه رفت، انحراف او به سوی چپ و راست جاده در حقیقت گم شدن و گرفتار عذاب‌ها و

مشکلات و سختی‌های مسیر شدن است. در انحراف هیچ چیز مشخص نیست، نه روشنایی دارد و نه ایمن است و نه موجب مصونیت از خطرات، این راه نیست در واقع، اگر کسی از بیابانی برود که جهات مختلف آن معلوم نیست و در تاریکی از این سو به آن سو حرکت کند، نمی‌گویند در یک راهی حرکت می‌کند، اگر هم گفته شود مجازی است، اگر راه شیطان هم می‌گوییم در حقیقت یعنی بیراهه، مثل کسی که شب در یک جاده می‌رود و از آن منحرف شود که هیچ مقصدی هم برای او معلوم نیست و بیراهه است، نه اینکه راهی باشد که سرانجامی برای آن تصویر شود و بتواند به آن برسد، مقصد نهایی بیراهه‌ها هلاکت است، کسی که در کویر گم شود و از آب و غذا محروم باشد نهایت آن هلاکت است، برای همین است که غیر از صراط مستقیم عنوان صراط بر راه مغضوبین و ضالین صدق نمی‌کند، آنها راه ندارند و در بیراهه حرکت می‌کنند و معلوم است که حرکت در بیراهه سرانجامش سقوط در درّه و هلاکت و نابودی و از بین رفتن و عذاب است چون مقصدی برای آن متصور نیست، و اگر مقصد داشت عنوان بیراهه بر آن اطلاق نمی‌شد.

به هر حال اولین مرحله از مراحل همراهی با الذین انعمت علیهم همراهی در دنیا است، و همراهی در دنیا به معنای مطابقت گفتار و رفتار و سبک زندگی و عمل انسان با روش کسانی است که خداوند به آنها نعمت داده است، هرچه این انطباق بیشتر باشد آن همراهی و معیت قوی‌تر است، اگر این انطباق ضعیف باشد، یا در بعضی مواضع و نقاط این انطباق باشد، همراهی موقتی است، همراهی دائمی و معیت مستمر با کسانی که خداوند به آنها نعمت نبوت و صدق و صلح و صداقت و شهادت بر اعمال عطا کرده، به این است که در همه شئون زندگی این مطابقت باشد، نمی‌شود کسی یک ماه از سال مطابقت داشته باشد و نه ماه نداشته باشد، نمی‌شود کسی نیمی از روز برنامه زندگی او مطابقت داشته باشد و در نیمی دیگر نداشته باشد، نمی‌شود اعضاء و جوارح انسان مطابقت داشته باشد ولی جوانح او، و فکر و ذکر و یاد و قلب و ذهن او مطابقت نداشته باشد، منافقین آنهايي هستند که از نظر جوارح همراهی دارند، یعنی به ظاهر نماز می‌خوانند، اما در قلب و فکر آنها مرض است و این انطباق نیست، انطباق با (الذین انعمت علیهم) به این است که همراهی و معیت در دنیا، آن هم در همه ابعاد و زمانها باشد، این خیلی در هدایت انسان مهم است. انسان باید سعی کند در این مسیر به جامعیت معیت فکر کند، انطباق خیلی از ما به نحو موجه جزئی است، انطباق به نحو موجه کلیه کار بسیار دشواری است، اینکه ما صد در صد مثل آنها باشیم حداقل در آغاز راه ممکن نیست، ولی می‌توانیم همه تلاش خود را بکار ببریم تا معیت کامل‌تر و دراز مدت داشته باشیم، معیت کامل‌تر و زمان‌دارتر به این است که انسان از صبح تا شام و نیز موقع خوابیدن، همه حرکات و سکانات خود را منطبق کند با آن الگوهایی که خداوند برای ما قرار داده است، منعمین، یعنی انبیاء و شهداء و صدیقین و صلحاء باید دائماً جلوی چشم ما باشند، اگر ما به مناسک اهتمام داشته باشیم و به ظواهر شریعت پایبند باشیم، و به احکام و حلال و حرام به حسب ظاهر مقید باشیم اما دل و قلب ما مملو از رذایل اخلاقی باشد این معیت نیست، نماز اول وقت بخوانیم اما شعله‌های حسادت در وجود ما زبانه بکشد، روزه بگیریم اما میل به متاع دنیا در ما روز به روز قویتر شود، این‌ها هم بیراهه‌هایی هستند که نمی‌تواند ما را به سعادت برساند.

پس اولین مرحله همراهی در دنیا محقق می‌شود، و همراهی در دنیا با منعمین به اتخاذ روش زندگی آنها است، اینکه ما در زندگی از روش آنها پیروی کنیم، قلب سلیم، ذهن عاری از خیالها و آرزوهای بی سرانجام و غیر نافع، دلبستگی‌های کاذب، این‌ها همه رهن هستند.

خود این مرحله اول همراهی دارای مراتبی است و قوی و متوسط و ضعیف دارد، به این معنا که هرچه شباهت ما با منعمین بیشتر باشد قهرماً همراهی ما قویتر است، هرچه شباهت ما ضعیفتر باشد همراهی ما کمتر است، ممکن است کسی در طول سال حتی یک روز هم نتواند این همراهی و معیت را داشته باشد، همراهی و معیت فقط به صورت زبانی و لسانی نیست که بگوییم آنها را دوست داریم و می‌خواهیم همراه آنها باشیم، این نیاز به مجاهدت و تلاش و کوشش و همت دارد، اما کسانی هستند که در طول سال حداقل لحظاتی از یک روز خود را با این انطباق سپری می‌کنند و برخی هم هستند که همه لحظات خود را در این حال و هوا سیر می‌کنند، بنابراین این مرحله اول که عبارت است از همراهی و معیت با منعمین، خود دارای مراتبی است.

مرحله دوم

مرحله دوم همراهی و معیت با برخورداران از نعمت (یعنی آن چهار گروه) در موقع مرگ و عالم برزخ است، میزان معیت ما با آن چهار گروه در موقع مرگ و در برزخ تابعی از معیت و همراهی ما در دنیا است و انفکاک ناپذیر است، این طبقه‌بندی و دسته‌بندی گزینشی نیست که هرگونه که می‌خواهیم در این دنیا زندگی کنیم ولی مع ذلک در موقع مرگ و عالم برزخ ما را همراه آنها قرار دهند، این همراهی را باید خود ما انتخاب کنیم، البته اگر همه تلاش خود را کنیم ممکن است خداوند متعال و خود منعمین با ارفاق و عنایت از بعضی از خطاهای ما بگذرند و ما را از باب تفضل در جایگاه خوبی قرار دهند، اما به حسب قاعده هرچه همراهی انسان در دنیا قوی‌تر باشد، هرچه انطباق کامل‌تر باشد، هرچه شباهت بیشتر باشد، نه شباهت ادعایی، بلکه شباهت واقعی، همراهی در موقع مرگ و برزخ هم قوی‌تر است. خیلی افراد ادعا می‌کنند که تابع آن چهار گروه هستند، اما به حسب واقع چقدر به آنها شباهت داریم، چقدر خلیات ما به آنها نزدیک است، آنچه تعیین‌کننده است شباهت واقعی ما با منعمین است، اگر این شباهت باشد، آنوقت می‌تواند از خداوند متعال درخواست کند که (توفنا مع الابرار)^۱، اگر ما در دنیا مع الصادقین بودیم آنوقت موقع مردن هم می‌توانیم با ابرار باشیم، اگر به امر خداوند تبارک و تعالی مبنی بر (کونوا مع الصادقین)^۲ عمل کردیم، آنوقت می‌توانیم از خدا درخواست (توفی مع الابرار) را کنیم و در عالم برزخ با آنها مأنوس و محشور باشیم، این اساساً در چهارچوب نظام عالم قابل فهم و قابل پذیرش است، وقتی موجوداتی از حیث نورانیت و از حیث سعه وجودی و از حیث طهارت و پاکی نزدیک به هم باشند، خود به خود در عالم هستی با هم قرار می‌گیرند، در یک جایگاه واقع می‌شوند، وجود ناری هیچ‌گاه نمی‌تواند با وجود نوری جمع شود، وجودی که سراسر تاریکی است، با دستور و بخشنامه نمی‌شود آن را از ظلمت خارج کرد، در این دنیا

۱. سوره آل عمران: آیه ۱۹۳.

۲. سوره توبه: آیه ۱۱۹.

می‌توانیم ظاهر سازی کنیم و خودمان را به گونه‌ای جلوه دهیم که مردم ما را خوب بدانند، اما این حجاب‌ها وقتی کنار رود، در عالم برزخ این همراهی و معیت دیگر با سفارش و توصیه و حسن ظن و اشتباه در محاسبه و غفلت‌های امثال ما، اتفاق نمی‌افتد، آنجا دیگر، دار حقایق است و اعتباریات کنار می‌رود، آنجا واقعیات جلوه می‌کند، جای وجود نوری معلوم است و جای وجود ناری هم معلوم است و دیگر نمی‌شود آن وجود را که سراپا آتش است مخفیانه به جایی ببرند که همه آن نور است. مگر اینکه تصفیه و تهذیب شود.

مرحله سوم

مرحله سوم همراهی و معیت در آخرت است.

اگر کسی در دنیا همراهی و معیت با صالحین و صدیقین و شهداء و صلحاء و انبیاء داشت، در آخرت هم خواهد داشت، البته ممکن است در برزخ با توجه به زمینه‌ای که در او وجود دارد و توبه‌ای که قبل از مرگ کرده است، اتفاقاتی برای او بیفتد و این شایستگی را پیدا کند که در آخرت و قیامت با آنها باشد، و خود این داستان طولانی دارد و به سادگی این معیت حاصل نمی‌شود، وجودی که لکه‌های تاریک و زشت در او نقش بسته است تا پاک نشود نمی‌تواند همراه آنان قرار بگیرد.

«والحمد لله رب العالمین»